

## انتخابات استعماری را تحریم کنید و در جهت طرد سلطه استعماری امپریالیستهای جنایتکار و غارتگر و سرنگونی دولت دست نشانده مبارزه انقلابی را سازماندهی نمایید!

دولت دست نشانده مولود استعمار و امپریالیسم است. امپریالیستهای جنایتکار و غارتگر امریکائی و ناتو بتاريخ (7) اکتوبر (2001) افغانستان را مورد تهاجم نظامی وحشیانه قرار داده و هزاران تن از مردم مظلوم ما را بقتل رساندند، ویرانیهای گسترده ببار آوردند و رژیم طالبان را سقوط دادند. در این تهاجم غارتگرانه امپریالیستها نیروهای نظامی موسوم به "ائتلاف شمال" بادیافت میلیونها دلار رشوه از دولت امریکاعلیه خلق و میهن به خدمت ارتشهای متجاوز قرار گرفتند. امپریالیستهای امریکائی و ناتو توسط بیش از صد هزار نیروی نظامی کشور را به اشغال نظامی در آورده و آنرا به مستعمره کشیدند و باین صورت استقلال سیاسی کشور را سلب کرده و حاکمیت ملی را از بین بردند. امپریالیستهای اشغالگر به منظور گمراه کردن خلق افغانستان از اشغال نظامی و به مستعمره کشیدن کشورشان به ترفندهای متوسل شدند تا چهره ای عریان تسلط استعماری شان را در قرن بیست و یکم "مستور" سازند. اولین ترفند استعماری امپریالیستهای امریکائی و ناتو تشکیل "کنفرانس بن" بود که ظاهراً تحت سرپرستی "ملل متحد" دایر گردید که در آن دولت استعماری را اعلام و کرزی مزدور امپریالیستهای امریکائی را در رأس این دولت نصب کردند. اما حاکم و صاحب قدرت اصلی سفارت امریکادر کابل بوده است. قدرتهای اشغالگر در این کنفرانس قماشهای مختلف از نیروهای خاین و مزدور را گرد آوردند که طی بیست و پنج سال قبل از تهاجم نظامی امریکا بر افغانستان شنیع ترین جنایات و تجاوزات و وقیح ترین خیانتها را علیه خلق مظلوم و ستمدیده انجام داده و کشور را در همه عرصه ها به ویرانی کشیده بودند. در کنفرانس بن "گروه های جهادی، ملیشه ای، گروه ظاهرخان (پادشاه سابق) و تشکل رویونیستی بنام "سازمان رهائی افغانستان"، "سازمان انقلابی" و دیگر عناصر وطن فروش و خاین شرکت داشتند. بعلاوه نیروها و گروه های فوق الذکر؛ گروه ناسیونال شونیست "افغان ملت"، مشتی عناصر ارتجاعی وطن فروش و نوکر استعمار و امپریالیسم بنام "تکنوکراتها"، تعدادی از خلقی پرچمپها و سازانیهای جنایتکار و وطنفروش، گروه ها و افراد رویونیست و اپورتونیست و تسلیم طلب معین منجمله "سازمان رهائی افغانستان" سلف "سازمان انقلابی"، "ساما" و دیگر عناصر رویونیست و اپورتونیست در ترکیب دولت دست نشانده امپریالیسم شامل شده به مقامهای وزارت، معین وزارت، ولایت و ریاست رسیدند. امپریالیستهای اشغالگر به ترفند تشکیل "لویه جرگه" این نهاد فئودالی قبیله ای متوسل شدند. با ایجاد دو هزار (ان.جی.او) چندین هزار از تحصیل کرده ها و "روشنفکران" از طبقات و اقشار مختلف جامعه را با معاشهای مناسب دالری استخدام کردند. و ده هاتن از رؤسا و معاونین این (ان جی او) ها با معاشهای هنگفت چند هزار دالری و سوء استفاده های چندین میلیون دلاری طی این مدت صاحب ثروتهای کلانی شده و منحیث گروهی از سرمایه داران کمپرادور بوروکرات عرض وجود کرده اند (عده ای از "روشنفکران" هم با ادعای "مبارزه انقلابی" از طریق همین سازمانهای "غیر دولتی" به زندگی مرفهی رسیده و به ثروتهای کلانی دست یافته اند). امپریالیستهای اشغالگر و "غیر اشغالگر" و دولتهای ارتجاعی روی ده ها انجمن، اتحادیه و نهاد "صنفي" بنام "جامعه مدنی" و صدها نشریه و تاسیس بیش از هفتاد تلویزیون و بیش از صد رادیو سرمایه گذاری کردند. گروه های خود فروخته و انقیاد طلب چندی شرایط استعماری کشور را "افغانستان نوین" خواندند و با این استدلال خاینانه که امپریالیستها برای "ترویج دموکراسی و آبادی کشور" آمده اند و هم باتمسک قراردادن مترسک "بازگشت طالبان ب قدرت" در توجیه و آرایش اشغال نظامی و تسلط استعماری امپریالیستها در جهت فریب و اغوای توده های خلق نا آگاه کشور خاصاً نسل جوان تحصیل کرده مطالبی را به نشر می رسانند و در انحراف افکار عامه مردم از واقعتهای کشورشان و به نفع امپریالیستها و دولت دست نشانده و حفظ حالت موجود و القای

روحیه ای انقیاد طلبی خدمت کرده ومی کنند. خطرناکتر از این گروه ها وتشکلات در متوهم ساختن اذهان توده های مردم واغوی آنها؛ گروه های مختلف رویونیستی واپورتونیستی مانند "سازمان رهائی"، "سازمان انقلابی"، "ساما" و جناح "ساما-ادامه دهندگان" هستند که باردیگرسردر آستان امپریالیسم واستعمار فرود آورده ودر پرتگاه تسلیم طلبی طبقاتی وملی قرار گرفتند وطی این سیزده سال از طرق مختلف به توجیه اوضاع وشرايط اسارتبار حاکم بر خلق وكشور پرداخته وبیش از دیگر گروه ها وافراد ارتجاعی توده های خلق را اغوا کرده ومرتکب خیانت به خلق ومیهن شده اند. یکی از گروه های "ساما"ئی باننتشار "کتابی" زیر عنوان "افغانستان الگوی دموکراسی امریکائی از تحمیل تروریزم تا صدور دموکراسی" به تبلیغ وترویج پارلمانتاریزم وتسلیم طلبی در سطح گسترده ای پرداخت. به همین منوال تشکل رویونیستی "سازمان انقلابی" طی سالها از طریق دستگاه های نشراتی مربوط به امپریالیستهای اشغالگرو دولت مزدور به آرایش نظام مستعمراتی مشغول بوده است که مثال بارزان فعالیتهای مطبوعاتی "مرحوم" داد نورانی رهبر این گروه است که تا آخرین لحظه حیاتش از طریق تلویزیونهای امپریالیستی ودولت مزدور واز طریق نشریه "روزگاران" در وصف دموکراسی استعماری "دادسخن" زد وقلم فرسائی نمود. این رویونیستهای خاین ودشمن وخلق ومیهن احزاب رسمی تشکیل داده اند وهویت رویونیستی وتسلیم طلب شان در زیر آن مخفی کرده واز این طریق با بکارگیری کلمات وجملات بظاهر "مترقی" و"انقلابی" نسل جدید از روشنفکران مترقی رافریب میدهند. اینها در سایه ای ارتشهای اشغالگرو در پناه حمایت قدرتهای امپریالیستی ودولت مزدور ویا برخورداری از همه امکانات مادی ومعنوی از جانب آنها در سطح جامعه فعالیت می کنند وباماسک "مترقی" و"انقلابی" توده های خلق وروشنفکران نسل جدید رامی فریبند. اینها با حملات لفظی ونمایشی به جناح "بنیادگرا" از نیروهای ارتجاعی اسلامی افکار توده های نا آگاه مردم رانسبت به ماهیت فکری وسیاسی خود شان مغشوش می کنند. باین صورت در شرایط (13) سال اخیر گروه های مختلف رویونیستی واپورتونیستی نقش نهایت خاینانه ای را در اغوا وانحراف افکار توده های خلق بازی کرده اند. این رویونیستهای مرتد واین اپورتونیستهای شاید وحیله گربا دورویی تمام گاهی صحبت از "اشغال واستعمار" کرده وبه "سرزنش" دولت مزدورو "انتقاد" از امپریالیستهای اشغالگرمی پردازند؛ ولی در عمل در سطح گسترده ای از تریبون امپریالیسم ودولت دست نشانده استفاده کرده وبا برگزاری مجالس ومیتینگها در توجیه وضعیت موجود تبلیغ وترویج می کنند. این شیوه ای عملکرد آنها با اهداف وخواستهای امپریالیستهای اشغالگرو دولت مزدور همسوئی وهمخوانی کامل دارد. وشعارهای "انقلابی" سنخهای مختلف رویونیستها واپورتونیستها مشکلی را برای امپریالیستها ودولت مزدور آنها بوجود نمی آورد. واگر قدرتهای امپریالیستی اشغالگرایان رویونیستهای خاین رادشمن شان می پنداشتند هرگز آنها را در کنفرانس "بن" شرکت نداده ودر دولت دست نشانده سهیم نساخته واجازه فعالیت آزادانه برای آنها نمی دادند. ودر جهت دیگر امپریالیستهای اشغالگرو دولت مزدور از این گروه های رویونیستی واپورتونیستی در حمله علیه گروه های جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) استفاده می کنند. این گروه ها از جمله "سازمان انقلابی"، "ساما-ادامه دهندگان" وافرادى از "ساوو" على الخصوص باند اوباش وجاسوس متشکل از (سیدحسین موسوی، میرویس محمودی وکبیرتوخی) هستند که از طریق سایت استخباراتی "افغانستان-آزاد" به تخریبکاری وفحاشی وجاسوسی علیه فعالین جنبش انقلابی کشور مشغول اند ونام وهویت وآدرس ما را برای استخبارات امپریالیستی ودولتها وگروه های ارتجاعی معرفی میکنند. واین خاینین مرتد وضدانقلابی وباداران چینی وامریکائی واروپائی آنها بزعم شان می خواهند از این طریق جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) افغانستان راضربت بزنند. وهرگز به این آرزوی شوم وننگین شان نخواهند رسید. زیرا بیش از یک ونیم قرن است که بورژوازی وامپریالیس وانواع رویونیسم واپورتونیسم وتمام مرتجعین جهان علیه مارکسیسم انقلابی تبلیغات سوء کرده وبه شیوه ها واشکال گوناگون به تخریب آن دست یازیده اند؛ ولی مارکسیسم انقلابی همچنان زنده وپویاست. وامروز "مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم" منحیث سلاح برنده ای مبارزه طبقاتی در دسترس پرولتاریا وزحمتکشان جهان قرار دارد.

امپریالیستهای اشغالگر برای بدست آوردن توجیهات "شرعی" در اشغال نظامی و تسلط استعماری شان در افغانستان تشکل بزرگ «شورای "علما"» را ایجاد کرده و در آن ملاها و روحانیون مرتجع و خود فروخته را از سراسر کشور جمع کرده و با معاشهای دالری مناسب آنها را تطمیع کردند تا در جهت توجیه اشغال نظامی و تسلط استعماری آنها "فتوی" صادر کرده و از این طریق نیز توده های عوام کشور را فریب دهند. ترفند دیگر سناریوی "دموکراسی" و "انتخابات" های رئیس دولت استعماری و انتخابات دومجلس پارلمان و مجالس ولایتی اند. که مصارف این همه انتخاباتها و معاشهای ارکان دولت دست نشانده را که سالانه بالغ بر صدها میلیون دلار میشود قدرتهای امپریالیستی اشغالگر پرداخته اند. غیر از اعضای عالی رتبه دولت پوشالی؛ هریک از وکلای پارلمان استعماری معاشهای کلان دالری دارند به اضافه ای یک عراده موتر ضدگلوله و چهار نفر محافظ مسلح. قدرتهای امپریالیستی اشغالگری سیزده سال اخیر میلیونها دلار در عرصه های مختلف تبلیغاتی و تدویر دولویه جرگه، دودور انتخابات رئیس دولت استعماری و دودور "انتخابات" پارلمانی و مجالس ولایتی هزینه کرده اند تا در برابر اشغال نظامی و تسلط استعماری و جنایات سهمگین شان علیه توده های خلق کشور سکوت اختیار کرده و آنرا "قانونیت" بخشند. با تذکر مختصر فوق درباره ای اوضاع و شرایط حاکم بر کشوری (13) سال اخیر؛ ماهیت "دموکراسی" و سناریوی "انتخاباتی" امپریالیستها و دولت دست نشانده بوضوح برملا می شود. "انتخابات" امپریالیستهای اشغالگر و دولت مزدور یک نمایش مسخره بیش نیست. این انتخاباتها هیچ ربطی به مردم افغانستان نداشته و ندارد و نه هم می تواند در کمترین حد آن بازتاب دهنده اراده و خواستههای آنها باشد. اینکه توده های خلق ناآگاه کشوری سیزده سال اخیر توسط امپریالیستها و دولت دست نشانده و نیروها و گروه های ارتجاعی مزدور با لطایف الحیل اغوا کرده و گاهی هم آنها را با انگیزه های قومی، ملیتی، قبیله ای و سمتی فریب داده و به پای صندوقهای رأی می کشانند، بحث دیگری است و هر انسان خردمند آزادی خواه و میهن دوست آزادی داند. امپریالیستها و مزدوران داخلی آنها در جهت فریب توده های عوام "انتخابات" استعماری شانرا "تمثیل دموکراسی" و پارلمان را "مظهر اراده خلق" تبلیغ می کنند. در حالیکه دموکراسی در جوامع طبقاتی مختلف برای طبقات ارتجاعی حاکم و نمایندگان آنها خدمت می کند. در جوامع طبقاتی دموکراسی پوششی است برای دیکتاتوری طبقاتی حاکم ارتجاعی. در کشوری که حاکمیت از آن توده های خلق نباشد چگونه ممکن است که بتوان از آزادی و دموکراسی برای خلق صحبت کرد. آنها در شرایط کنونی که افغانستان کشوری اشغال شده و مستعمره است و استقلال سیاسی آن توسط امپریالیستهای امریکائی و اروپائی سلب شده و حاکمیت ملی آن پایمال شده است. در چنین شرایطی صحبت از "دموکراسی و انتخابات آزاد" و نمایندگی مردم در آن دولت یک مضحکه بیش نیست. این دموکراسی وارداتی امپریالیستهای اشغالگر برای طبقات حاکم فئودال و کمپرادور و نیروها و گروه های جنایتکار و رهن و قاتل مردم و سایر گروه های ارتجاعی و مزدور آنهاست. توده های خلق از زن و مرد و کودک از حقوق سیاسی، اجتماعی و انسانی و از هر نوع آزادی محروم اند. فقر و گرسنگی، بیکاری، بیسوادی، اعتیاد به موادمخدر، شیوع مرض توبرکلوز و "ایدز" و دیگر امراض مکرری و امراض روانی در جامعه بیداد می کند، امنیت و مصئونیت جانی و مالی برای مردم وجود ندارد، ستم چند لایه بر زنان به اشکال وحشت آور آن اعمال می شود، زنان کشور از کمترین امنیت و مصئونیت جنسیتی و جنسی برخوردار نیستند و میلیونها کودک از تعلیم و تربیت محروم بوده و صدها هزار کودک مجبور به انجام کارهای شاقه هستند و ده ها هزار تن آنها در جاده ها گدائی می کنند. که مسبب اصلی همه این مصایب مردم طبقات حاکم ارتجاعی و امپریالیستهای اشغالگر هستند. و کمترین توجهی به حقوق زنان و کودکان کشور و وضعیت اسفبار زندگی آنها و سایر بخشهای توده های خلق نمی کنند. فقط هر چند سال یکبار در جهت "مشروعیت دادن" به تسلط استعماری و حاکمیت ننگین شان به سراغ زنان و مردان توده های خلق زحمتکش می روند و با تبلیغات گمراه کننده و با هزار خدعه و نیرنگ آنها را بیای صندوقهای رأی میکشانند تا بیکی از چند مزدور آنها رأی بدهند.

توده های خلق افغانستان اعم از زنان و مردان خاصاً روشنفکران و روشنیبانان کشور باید بدانند که شرکت در این انتخابات و رأی دادن بیکی از این مزدوران استعمار و امپریالیسم به مفهوم پذیرش وضعیت اشغال نظامی و مستعمره بودن کشور و تا نید حاکمیت پوشالی طبقات حاکم ارتجاعی و مزدور (دولت دست

نشانده) و "مشروعیت دادن" به آنهاست. اگر امپریالیستها و طبقات حاکم ارتجاعی و مزدور توده های خلق ناآگاه را با هزار نیرنگ و حيله بیای صندوقهای رأی می کشانند امر علیحده ایست؛ اما روشنفکران و روشنیبینان جامعه که آگاهانه در این انتخابات شرکت می کنند این عمل آنها به منزله ای اغماض از سلطه استعماری امپریالیستها و کشتار خلق و دیگر اعمال جنایتکارانه و خاینانه ای آنها و نوکران رنگارنگ شان علیه توده های خلق کشور بوده و این مسئولیت را بعهده دارند. و تحریم انتخابات استعماری از جانب مردم ماحد اقل عکس العمل و اعتراضی است بروضعیت حاکم کنونی بر کشور و مژشت محکمی است بردهان امپریالیستها و دولت مزدورانها و درموردش تبارزی است از احساس آزادی خواهی و میهن دوستی آنها. مردم ما خاصتاً روشنفکران مردمی باید آگاه شوند که آنها در هیچ سطحی در این دولت و در این انتخابات ذی نفع نیستند. حتی بفرض اگر افغانستان در اشغال نظامی و زیر تسلط استعماری مستقیم امپریالیستها هم نمی بود؛ باز هم شرکت در انتخابات برای توده های خلق کشور هیچ نفعی را در قبال نداشت. زیرا در شرایط حاکمیت طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور و سلطه امپریالیسم صحبت از آزادی و دموکراسی و حاکمیت توده های خلق بیهوده گوئی بیش نیست. دموکراسی ماهیت طبقاتی دارد و هر طبقه اجتماعی دارای نوع دموکراسی مربوط به خودش است. و دموکراسی در شرایط حاکمیت طبقاتی خلق برای خلق معنا پیدامی کند. زمانی توده های خلق می توانند از آزادی و دموکراسی صحبت کنند که حاکم بر سر نوشت سیاسی شان شده و همه مقدرات خود را در عرصه های مختلف حیات اجتماعی بطور آگاهانه و بر مبنای اراده آزاد و فیصله ای خودشان تعیین کنند. استقلال و آزادی و حاکمیت ملی و حاکمیت طبقاتی برای توده های خلق زمانی میسر میشود که کشورشان از سلطه استعماری امپریالیستها و دولت دست نشانده رهائی یافته و نظام فئودال کمپرادوری سرنگون شده و سلطه امپریالیسم از کشور قطع گردد و نظام دموکراتیک خلق برقرار شود. این مامول فقط از طریق مبارزات انقلابی توده های خلق (عمدتاً جنگ خلق) تحت رهبری یک حزب انقلابی پرولتری (مارکسیستی-لنینیستی-مانونیستی) واقعی تحقق میابد. توده های خلق و روشنفکران مردمی و مترقی باید در جهت سازماندهی و آغاز مبارزه ای انقلابی رهانبیخش تلاش نمایند. و این یگانه راه نجات خلق از سلطه و اسارت استعمار و امپریالیسم و نظام فئودال کمپرادوری و رسیدن به استقلال و آزادی، دموکراسی واقعی، خوشبختی و رفاه اجتماعی است.

**31 مارچ 2014**

**(یولاد)**